



چرا آقایان اشتباهات خود را قبول نمی‌کنند؟

مردان از قبول بسیاری از رفتارهای خود گاهی سر باز می‌زنند و حتی تعبیر و تفسیر این‌گونه برخوردها و بازتاب‌ها در مقابل همسرانشان، اندکی برایشان سخت و دشوار جلوه‌گر می‌شود!

مردان از قبول بسیاری از رفتارهای خود گاهی سر باز می‌زنند و حتی تعبیر و تفسیر این‌گونه برخوردها و بازتاب‌ها در مقابل همسرانشان، اندکی برایشان سخت و دشوار جلوه‌گر می‌شود!

حال چطور می‌توان مردان را مجاب ساخت تا بپذیرند آنچه را که نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند که بدانند، و این مقوله‌ای است که همیشه ذهن همسران این مردها را به خود معطوف داشته است.

یقیناً پذیرفتن برخی رفتارهای غیراصولی و غیرعلمی مردان، می‌تواند به آنان در جهت داشتن یک رابطه زناشویی زیباتر کمک نماید. اما یکی از پرسش‌هایی که می‌تواند در این راستا مطرح شود، این است که چرا مردها از اشتباه کردن بیزار و گریزانند؟

برای این‌که پی ببریم چرا مردان از اشتباه کردن بیزار و گریزانند باید به یک واقعیت مهم و اساسی اشاره کنیم و آن این است که وقتی مردی اشتباهی را مرتکب می‌شود، احساس گناه می‌کند، زیرا پی می‌برد که نتوانسته، آن طور که باید، کارش را به خوبی و درستی به انجام برساند.

اما آنچه در این بین مهم است این‌که گفتن واژه متاسفم یا ببخشید یا پوزش می‌خواهم، برای این مردان بسیار سخت و دشوار است! به عبارت دیگر، عنوان کردن متاسفم به معنای پذیرفتن اشتباه و پذیرفتن اشتباه به معنای شکست آنان تلقی می‌شود! این نگرشی است که مردان برای خود در ذهن خویش خلق ساخته‌اند.

برای حل این مشکل زنان باید کاملاً دقت کنند که هنگام گفتگو درباره مشکلات و مسائل «احساس اشتباه را در مردان» به وجود نیاورند.

باید به این نکته توجه کنید که مردان از این‌که مورد سرزنش و انتقاد قرار بگیرند، بیزارند. مرد به زنی نیاز دارد که اشتباهاتش را به روی او نیاورد! چنین زنی او را یاری و کمک می‌کند و مرد متوجه می‌شود که جایگاه ویژه‌ای در نزد همسرش دارد، زن می‌خواهد مرد مورد علاقه‌اش در انجام برخی کارها کمکش کند، اما تصور مرد بر این است که شاید من توانایی انجام چنین کاری را ندارم! مرد اشتباهات خود را نخواهد پذیرفت، چون فکر می‌کند با پذیرفتن و قبول کردن اشتباه خود، همسرش دیگر او را دوست نخواهد داشت.

اما واقعیت امر این است که زن، مردی را بیشتر دوست دارد که اشتباهاتش را می‌پذیرد و به آنها پی می‌برد.

یکی دیگر از پرسش‌هایی که معمولاً برای خانم‌ها مطرح می‌شود، این است که چرا مردها از نصیحت بیزارند؟

برای رسیدن به پاسخی معقول و منطقی در این مقوله به ادامه بحث توجه کنید. اساساً مرد نیاز دارد احساس کند که از عهده حل گرفتاری‌ها و مشکلاتش برمی‌آید. برای مرد بحث درباره مشکل فردی با دیگران به معنای تحمیل باری بر دوش آنهاست! او حتی بهترین دوستش را با طرح مشکل خود به دردسر نمی‌اندازد، مگر این‌که فکر کند، دوستش راه حل بهتری دارد.

توصیه مهم به خانم‌ها

هرگز تا زمانی که مرد (شوهرتان) تقاضا نکرده، او را نصیحت نکنید. به او بگویید که به توانایی او در حل مسائل و مشکلاتش اطمینان کامل دارید!

وقتی زن تلاش می‌کند تا مرد را وادار به صحبت درباره احساس یا مشکلش کند، یقیناً مقاومت از جانب مرد دو دلیل می‌تواند داشته باشد:

- ۱) مرد چنین برخوردی را از سوی همسرش انتقاد و سرزنش برای خود تلقی می‌کند.
 - ۲) مرد تصور می‌کند که زنش او را فردی ناتوان شمرده و می‌خواهد راه‌حل بهتری به او ارائه نماید.
- در واقع هدف زن، کمک به مرد برای رسیدن به احساسی بهتر می‌باشد. برای زن نصیحت کردن، نوعی ایجاد اعتماد و اطمینان در رابطه زناشویی است و به عنوان نشانه‌ای از ضعف و سستی مرد تلقی نمی‌شود. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد باید مردان اندکی در رفتارها و کردارهایشان، تامل و بازبینی نمایند.

بدون شک همه زنان دوست دارند که رابطه خوب و خوشایندی با مردان خود خلق کنند و بتوانند از آن لذت ببرند، نه این‌که خواستار پیدایش یک رابطه نامعقول و آزاردهنده باشند.

کلام آخر این‌که؛

اگر مردان در تنهایی خویش اندکی به عملکرد رفتاری خود، نگاهی بیندازند، پی خواهند برد که آنچه همسرانشان از آنان می‌خواهند دلیل بر این نیست که آنان دچار ایراد و یا اشکالی هستند. آگاهی داشتن و دانستن یک واقعیت در زندگی زناشویی برای مردان باید آنان را به این مرحله برساند که تداوم و ماندگاری یک رابطه زناشویی پایدار در کنار یکدیگر شکل خواهد گرفت و زن و مرد به عنوان یک زوج در سایه‌سار عشق، همدلی، محبت، وفاداری و صداقت به دور از هرگونه حسادت و انتقاد، خواهند توانست روزهایی سرشار از شادکامی و صمیمیت را با هم سپری سازند و خاطرات خوب با هم بودن در افکار و زندگیشان نقش ببندد و جاویدان بماند.

«زندگی یعنی: یک سار پرید»، «زندگی یعنی: عاشقانه‌های آدمی در جویبار هستی!»، «زندگی یعنی: تقسیم دل‌تنگی‌های همیشه و هنوز با هم».

منبع: مجله خانواده